
دعاهای قرآنی
جواد محدثی

بسم الله الرحمن الرحیم

دعاهای قرآنی

نویسنده:

جواد محدثی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

دعاهای قرآنی

مشخصات کتاب

سرشناسه : محدثی، جواد، ۱۳۳۱ -

عنوان و نام پدیدآور : دعاهای قرآنی/ جواد محدثی.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۹۵ ص.

شابک : ۸۵۰۰ ریال۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۲۲۳-۳ :

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : قرآن -- ادعیه

موضوع : قرآن .برگزیده‌ها --ترجمه‌ها

رده بندی کنگره : BP۸۷/م۲۴د۷۴ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵۷

شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۲۸۲۶۴

ص:۱

دیباچه

دعـا و مناجـات بـا پروردگـار از بال‌های پرواز آدمیان به سوی کمال مطلق و رسـیدن به قرب الهی است. هر انسانی برای دستیابی به معارف الهی و ارتباط با معبود خود و زمزمه‌های عارفانه، نیاز به دعا و نیایش و مناجات با حق تعالی دارد؛ از این رو، بخشی از منابع دینی به ویژه قرآن کریم را دعا و نیایش تشکیل می‌دهد.

قرآن کریـم در بخشـی از آیـات بـه دعاهـایی کـه انبیـا و اولیـا از پروردگـار طلـب می‌نمودنـد، می‌پردازد؛ در برخی از آیـات نیز خواسـته‌هایی را که شایسـته است که انسان‌های پاک از خدا بخواهند، بیان می‌کند تا هم اهمیت دعا را از دیدگاه قرآن بیان نماید و هم شیوه دعا و مناجات و نوع درخواست‌هایی را که می‌توان از پروردگار طلب نمود به مردم آموزش دهد.

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

ص:۵

ص:۶

ص:۷

ص: ۸

اثری که پیش رو دارید، با عنوان «دعاهای قرآنی» توسط استاد گرامی حجت الاسلام و المسلمین جواد محدثی تدوین گردیده است. نویسنده در این اثر تلاش کرده است آیاتی از قرآن را که دارای مضامین دعا و استغاثه به پروردگار است، جمع‌آوری کند و با ترجمه و توضیحی ساده و روان در اختیار علاقه‌مندان به معارف قرآنی قرار دهد. امیدواریم که مقبول طبع واقع شود.

انه ولی التوفیق

گروه اخلاق و اسرار

مرکز تحقیقات حج

ص: ۹

مقدّمه

در کویر سینه‌ام، چشمه‌های «ربّنا» ست بر لبم شکوفه «آتِ ما وَعَدتنا» ست
بند بند هستی‌ام، ترجمان این دعاست:
«لاتُزِغْ قُلوبَنا بعدَ اذْ هَدَیْتَنا»(۱)

فرهنگ دعا

دعا، زبان عشق و نیاز بنده به درگاه خدای بی‌نیاز است.

گرایش به دعا و نیایش و اظهار تواضع و نیاز در پیشگاه یک قدرت برتر و سرنوشت‌ساز، در نهاد و فطرت انسان نهفته است. به عبارت دیگر، روی آوردن به معبود و انجام نیایش، پاسخ انسان به ندا و خواستِ فطری و درونی خویش است.

۱- برگ و بار، جواد محدثی، ص ۲۱.

ص: ۱۰

دعـا در سـیره بزرگـان دین، از جایگـاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. پیـامبران الهی، امامان معصوم، اولیای خـدا و بنـدگان وارسـته، همواره در پیشگاه خداوند دست به دعا می‌گشودند و چشم امیدشان تنها به بخشش و رحمت پروردگار بوده است.

از «زبور داوود» گرفته تا مناجات‌های پیامبر خـدا (ص) و امام علی (ع) و «صـحیفهٔ سـجادیّهٔ» حضـرت زین‌العابدین (ع) و نیایش امام حسین (ع) در عرفات و سایر فرازهای برجسته و جلوه‌های روشنی که در دعاها وجود دارد، گواه این گرایش و اهتمام است.

برداشته‌ام دو دست از بهر دعا ای شاه دو عالم بنگر سوی گدا

دادی به من اذنِ ذکر نامت از لطف ور نه تو کجا و من بی‌رتبه کجا؟

(۱)اجازه‌ای که خداونـد به بنـده بی‌مقـدار خود داده تا او را خطاب کنـد و از درگاهش حاجت بطلبـد، به یقین یک موهبت و توجه ویژه از سوی خداوند است. به تعبیر حضرت علی (ع):

۱- حکیم سبزواری.

ص: ۱۱

قَد اذِنَ لَکَ فِی الدُّعاءِ وَ تَکَفَّلَ لکَ بِالإجابَهْ. (۱)خداوند به تو اجازه دعا داده و عهده‌دار اجابت گشته است.

دعا، تنها تکرار زبانی الفاظ نیست، بلکه ابراز برترین نیازها و خواسته‌ها از عمق وجود و از صمیم دل، در پیشگاه پروردگاری است که قادر مطلق است و سررشته همه امور، به دست توانای اوست. او خدایی است که مقدّرات بندگان را رقم می‌زند و عفو و آمرزش و بهشت و دوزخ نیز، در اختیار اوست.

زمانی «حال دعا» پدید می‌آید که معرفت و شناخت ما نسبت به «قدرت و نعمت خدا» و «عجز و نیاز خویش»، کامل شده باشد، تا بدین ترتیب، رابطه‌ای به نام «نیایش» و «دعا»، میان بنده و مولایش پدید آید.

یک ذرّه ز عجز خویش ابراز کنیم چندان که خدا غنی است، ما محتاجیم

چه بخواهیم؟

این مسئله مهمی است که بدانیم از خدا چه بخواهیم؟

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

ص: ۱۲

هرکس به اندازه معرفت و به تناسب شناخت و شعور خویش، حاجت می‌طلبد. این نیازخواهی، در بعضی از افراد، تنها در قلمرو خواسته‌های مادّی و دنیوی، از جمله خوراك، لباس، مسکن و مال است، اما در برخی از انسان‌ها این نیازخواهی بسیار متعالی است که شامل معنویّات و اخرویّات هم، می‌شود. ازاین‌رو، تأکید شده است که انسان، «دعاهای مأثور» را که از زبان اولیای الهی بیان شده‌اند، بخواند؛ زیرا متعالی‌ترین و مفیدترین حاجت‌ها، در دعاهای معصومین (علیهم السلام) آمده است.

دعاهای قرآنی

در این میان، برخی از دعاها نیز، در قرآن کریم و از زبان پیامبران و صالحان آمده است. آمدن این دعاها در قرآن کریم، هم نشان‌دهنده اهمیت آنها و هم مؤید مضمون این خواسته‌ها، از سوی پروردگار است.
انس با کلام الهی و ضرورت بهره‌گیری از معارف قرآنی، ایجاب می‌کند که با این دعاها آشنا باشیم و در قنوت‌ها، سجده‌ها، نمازها و تعقیبات و، ... از آیه‌هایی که مضامین دعایی دارند، استفاده کنیم.
شایسته است که جمله‌های دعایی قرآن را حفظ

ص: ۱۳

کنیم و در زندگی، از آنها به عنوان شعاری معنوی و عرفانی بهره گیریم.

در کل، تعداد بیش از تعدادی است که در این مجموعه آمده، کتاب‌های متعددی نیز، با همین عنوان به استخراج، گردآوری، ترجمه و شرح این دعاها پرداخته‌اند، که البته در این مسیر، هر چه با انگیزه‌ها، روش‌ها و قلم‌های متفاوت برای سطوح گوناگون کار شود، به‌جاست.

هدف نگارنده، انتخاب، ارایه و نشر برخی از دعاهای قرآنی است که هم کوتاه و روان و هم نغز و دلنشین‌اند و علاوه بر آسان بودن حفظ آنها، بیشتر این فرازهای نورانی برای خوانندگان آشناست.

با امید به مفید واقع شدن این مجموعه، از خداوند می‌خواهیم که دعاهایمان را مستجاب و رحمت و بخشش الهی را شامل حالمان گرداند.

گفتی که مستجاب کنم گر دعا کنی توفیق هم عطا کن و حال دعا ببخش

دل‌های ما که تیره شد از زنگ معصیت یارب به نور معرفت خود، صفا ببخش

ص:۱۴

ص: ۱۵

فراخوان الهی

اشاره

ادْعُونِی اسْتَجِبْ لَکُمْ (غافر: ۶۰)

مرا بخوانید، تا شما را اجابت کنم.

خدا را شاکریم که هم اجازه داده او را بخوانیم و هم ما را به «دعا» فراخوانده است.

دعا از ماست، اجابت از او.

هر چند در این آیه، استجابت خدا در پی دعای بندگان آمده است، اما چه بسا دعا می‌شود و از اجابت خبری نیست و این به دلایل متعدّدی می‌تواند باشد که در روایت‌ها نیز آمده است، از جمله:

۱. جدّی نبودن انسان در دعا؛

۲. فراهم نبودن شرایط کامل برای دعا؛

۳. به مصلحت نبودن استجابت دعا؛

۴. اجابت می‌شود، ولی با تأخیر؛

۵. خدا آن خواسته را نمی‌دهد، ولی به جای آن، خواسته و نعمت بهتری را عطا می‌کند؛

ص: ۱۶

۶. اگر دعا مستجاب نشود، پاداش بهتری در قیامت داده می‌شود؛

۷. خالص نبودن دعا، به عبارت دیگر، دعاخوان، هم از خدا می‌خواهد و هم تکیه‌اش به مردم و علل و اسباب مادّی است؛

۸. برخی از گناهان، مانع استجابت دعا می‌شود (در دعای کمیل است: «اللّهُمَّ اغْفِرلِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَحْبِسُ الدُّعاء»).

امام صادق (ع) فرمود:

انَّ اللهَ لا یَسْتَجِیبُ دُعاءً بِظَهْرِ قَلْبٍ ساهٍ، فَإذا دَعَوْتَ فَاقْبِلْ بِقَلْبِکَ، ثُمَّ اسْتَیْقِنْ بِالإجابَهً.(۱)

خداوند، دعایی را که از دلِ غافل و بی‌توجه برآید، مستجاب نمی‌کند. هرگاه دعا کنی، با قلبت رو به خدا آور، آنگاه به اجابت یقین داشته باش.

پس دعا باید از صمیم قلب، با توجه کامل، با شناخت متعالی نسبت به خدا و با برطرف کردن موانع استجابت انجام گیرد، تا خداوند نیز، آن را مستجاب کند.

گروهی از امام صادق (ع) پرسیدند: «چرا دعا می‌کنیم ولی مستجاب نمی‌شود؟» حضرت فرمودند:

۱- کافی، ج ۲، ص ۴۷۳.

ص: ۱۷

«لأنَّكُم تَدْعُونَ مَن لا تَعْرِفُونَه»(۱)؛ «چون که شما کسی را می‌خوانید که او را نمی‌شناسید».

پس معرفت به خدا هم، از شرایط اجابت است.

اگر این شرایط فراهم باشد، وعده خدا در اجابت دعای بندگان، حتمی است.

پس باید دید کجای کار اشکال دارد که سبب شده دعاها به هدف اجابت نرسد؟ وگرنه او به ما نزدیک است و خواسته‌ها را می‌داند و می‌شنود و خود وعده داده که اگر او را بخوانیم، پاسخ دهد.

یا رب! چو بخوانی‌ام «سَمِعْنا» گویم فرمان تو را به جان «أَطِعْنا» گویم

بر من تو به فضل اگر «غَفَرنا» گویی من آیم و «ربّنا ظَلمنا» گویم

۱- بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۶۸.

ص: ۱۸

۱. نیکی دنیا و آخرت

رَبَّنا آتِنا فی الدُّنْیا حَسَنَةً وَ فِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النّارِ (بقره: ۲۰۱)

پروردگارا! در دنیا و آخرت، ما را حسنه و نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش نگه دار.

در آیه قبل، سخن از کسانی است که می گویند: رَبَّنا آتِنا فی الدُّنْیا و می‌فرماید: «آنها در آخرت هیچ بهره‌ای ندارند».

اما در این آیه، از کسانی یاد می کند که هم حسنه دنیا را از خدا می‌خواهند و هم حسنه آخرت را. در هر دو مورد نیز، زمینه خواسته‌ها، کسانی‌اند که سفر حج می‌روند و در معشر و عرفات و منا حضور دارند و مناسک حج را انجام می‌دهند. خدا به آنها می‌فرماید که خدا را بسیار یاد کنند. دعا و نیایش، مصداقی روشن از یاد خداوند است. اما بعضی به تناسب افق محدود فکر خود، آنچه را می‌خواهند، برای دنیای خویش می‌خواهند. اما کسانی که نگاه وسیع‌تری

ص: ۱۹

دارند، از خداوند هم در دنیا و هم در آخرت، «حسنه» می‌طلبند.

«دنیانگری»، نشانه محدودیت بینش انسان است. هستی، تنها در محدوده این جهان خلاصه و محصور نمی‌شود. آخرت، نتیجه اعمال ما در مرحله دنیاست. باید از خدا خواست که هم در دنیا از سعادتمندان باشیم و هم در آخرت به سعادت و رستگاری برسیم که اوج سعادت ابدی، رسیدن به رضوان الهی و رهایی از دوزخ است. چه سود اگر به همه نعمت‌ها دست یابیم، ولی آخرتمان تباه و سیاه باشد؟

«حَسنه» یعنی خوب و خوبی مطلق.

در روایت‌ها برای حسنه دنیوی و حسنه اخروی مصادیقی بیان شده است.

امام صادق (ع) فرموده‌اند:

إِنَّهَا السَّعَهُ فِی الرِّزْقِ وَ الْمَعاشِ وَ حُسْنُ الْخُلْقِ فِی الدُّنْیا، وَ رِضْوانُ اللهِ وَ الْجَنَّهُ فِی الآخِرَهِ. (۱)حسنه در دنیا، عبارت است از وسعت در رزق و زندگی و اخلاق نیکو و حسنه آخرت، عبارت است از رضوان الهی و بهشت.

۱- مجمع البیان، طبرسی، ج ۱، ص ۲۹۷.

ص: ۲۰

در روایت دیگری، علم و عبادت در دنیا و بهشت در آخرت به شمار آمده و در جایی دیگر، ثروت در دنیا و بهشت در آخرت گفته شده است. در این باره پیامبر خدا فرموده‌اند:

مَنْ اوتی قَلْباً شاکِراً وَ لِساناً ذاکِراً وَ زَوْجَةً مُؤْمِنَةً تُعِینُهُ عَلی امْرِ دُنْیاهُ وَ اخراهُ فَقَدْ اوتی فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَ فِی الآخِرَةِ حَسَنَةً وَ وُقِی عَذابَ النّارِ.(۱)

به هر کس قلب شاکر و زبان ذاکر و همسر با ایمان داده شود که او را در امر دنیا و آخرتش یاری کند، به یقین حسنه دنیا و حسنه آخرت به او داده شده و از عذاب دوزخ نگه داشته شده است.

پس، باید همّت بلند داشت و خوبی‌های دنیا و آخرت را از او خواست، که او کریم و خزانه کرمش پایان‌ناپذیر است و هر چه عطا کند، چیزی از او کم نمی‌شود.

۱- مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۹۸.

ص: ۲۱

۲. صبر و ثبات

رَبَّنا أَفْرِغْ عَلَيْنا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدامَنا وَ انْصُرْنا عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرِينَ (بقره: ۲۵۰)

پروردگارا! بر ما صبر و شکیبایی فرو ریز و گام‌های ما را استوار بدار و ما را بر کافران پیروز گردان.

صبر و ظفر، هر دو دوستان قدیم‌اند

بر اثر صبر، نوبت ظفر آید

این دعا، از زبان مؤمنانی بیان شده که در رکاب «طالوت» - که برگزیده خدا برای جهاد قومی از بنی‌اسرائیل با جالوت بود- به میدان نبرد رفتند.

مطالبی که از این آیه برمی‌آید عبارت‌اند از:

۱. دعا جای عمل را نمی‌گیرد. پیروان و سربازان طالوت، در خانه و شهر خود نماندند تا دعا کنند که خدا آنها را بر طاغوتی چون جالوت پیروز گرداند، بلکه از خانه و زندگی‌شان دست شستند و با رفتن به جبهه جهاد، آماده جان‌فشانی در راه خدا و مبارزه با دشمن شدند.

ص: ۲۲

۲. آنها از امتحانی که دادند، سرافراز بیرون آمدند و گرچه تعداد قبول‌شدگان اندک بود، ولی آنها با داشتن عزمی استوار و ایمانی راسخ و امید به نصرت الهی، معتقد بودند که اگر خدا بخواهد و آنها صابر باشند، گروه اندک بر گروه بسیار، پیروز می‌شود. ۳(۱). آنها هنگامی که در برابر دشمن ایستادند و صف‌ها آراسته شد، دعا کردند و از خداوند خواستار شکیبایی، ثبات و پیروزی شدند.

از این آیه می‌آموزیم که در راه خدا، برای رسیدن به پیروزی، «صبر» و «ثبات قدم» لازم است.

آنچه به رزمندگان نیرو می‌دهد، ایمان و عزم راسخ است نه سلاح و مهمات جنگی. اگر ایمان نباشد، از اسلحه و ساز و برگ نظامی کاری ساخته نیست و به یقین اگر ایمان باشد، رزمنده مسلمان در برابر دشمن با دست خالی هم می‌ایستد و مقاومت می‌کند و در نهایت، اگر به شهادت هم برسد، به «إحَدی الْحُسنیین» دست یافته است.

صبر و ثبات را خداوند در دل‌ها و گام‌های مؤمنان قرار می‌دهد و پس از آن، پیروزی بر کافران حتمی است.

۱- مضمون آیه ۲۴۹ سوره بقره.

ص: ۲۳

نتیجه صبر و مقاومت یاران طالوت، که در آیه بعدی آمده، شکست کافران و کشته شدنِ جالوت و به حکومت رسیدن حضرت داوود (ع) است که به عنوان یک جوان رشید و شجاع در آن جبهه جنگید و سرکرده کافران را کشت و خداوند هم به او حکومت و حکمت عطا فرمود. (۱)سه خواسته مهم این آیه، عبارت است از:

۱. صبر و مقاومت (که حالتی روحی و درونی است)؛

۲. پایداری و ثبات قدم (که نمود بیرونی آن صبر است)؛

۳. غلبه بر کافران (که نتیجه صبر و ثبات است).

۱- داستان داوود و نقش او در این نبرد، در کتاب‌های قصص انبیا، آمده است.

ص: ۲۴

۳. بار مسئولیّت

رَبَّنا لا تُؤاخِذْنا إنْ نَسینا أوْ أخْطَأْنا رَبَّنا وَ لا تَحْمِلْ عَلَیْنا إصْرًا کَما حَمَلْتَهُ عَلَی الَّذینَ مِنْ قَبْلِنا رَبَّنا وَ لا تُحَمِّلْنا ما لا طاقَةَ لَنا بِهِ وَ اعْفُ عَنّا وَ اغْفِرْ لَنا وَ ارْحَمْنا أنْتَ مَوْلانا فَانْصُرْنا عَلَی الْقَوْمِ الْکافِرینَ (بقره: ۲۸۶)

پروردگارا! اگر فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤاخذه مکن. پروردگارا! بار و تکلیف سنگین بر دوش ما مگذار، آن‌گونه که بر دوش پیشینیان ما نهادی، پروردگارا! تکلیفی بیش از طاقتمان بر ما منه، از ما درگذر، ما را ببخشای و ما را رحم کن، تو مولای مایی، پس، ما را بر کافران پیروز گردان.

خواسته‌های این دعا:

۱. مؤاخذه نکردن خدا از ما، در صورتِ فراموشی و خطا؛

۲. رهایی از بار سنگینی که بر دوش امّت‌های پیشین نهاده می‌شد؛

ص: ۲۵

۳. تکلیفی بالاتر از حدّ طاقت و توان؛

۴. عفو و بخشایش و رحمت الهی؛

۵. پیروزی بر کافران؛

زمانی که خداوند، آن همه پیامبران و کتب آسمانی و آیه‌ها و نشانه‌ها و پندها و هشدارها را برای هدایت انسان فرستاده و حجّت را بر او تمام کرده است، به قطع، فراموشیِ تکلیف و فرمان خداوند و راه خطا پیمودن، پذیرفته نیست و خداوند می‌تواند ما را برای فراموش‌کاری‌ها و لغزش‌هایمان مؤاخذه و کیفر دهد. ولی باز هم، رو به درگاه رحمت او می‌آوریم و از او بخشش می‌خواهیم.

در امّت‌های پیشین، سنت الهی بر این بود که وقتی افراد مرتکب خطا می‌شدند، خداوند خیلی سریع آنها را عقوبت می‌کرد و نعمت‌ها را از آنها می‌گرفت و آنچه را حلال بود، بر آنها حرام می‌کرد و تکلیف‌های دشوار بر دوششان می‌گذاشت. (۱)ولی از او می‌خواهیم که ما را از این بار سنگین و عقوبت سریع و سلب نعمت‌ها، مصون بدارد.

از مظاهر لطف الهی بر بندگان، آن است که تکلیف

۱- مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۰۴ ذیل همین آیه.

ص: ۲۶

را بر اساس و به اندازه طاقت و توان بندگان قرار می‌دهد. در آغاز همین آیه آمده است: لا یُکَلِّفُ اللهُ نَفْساً إلّا وُسْعَها؛ ولی ما در انجام دادن همین وظیفه مقدور هم، کوتاهی می‌کنیم و از تکلیف گریزانیم، به جاست که از درگاه ربوبی طلب رحمت و بخشش کنیم.

در چاه نفس خویش گرفتارم

از جهل خویش، سر به گریبانم شرمنده‌ام، زیان زده‌ام، خامم من بنده فراری و ترسانم تا کی به درگه کرمت دوزم این دیدگان خسته و گریانم؟

خواسته پایانی دعا در این آیه، یاری شدن در برابر کافران است. خداوند از مؤمنان در جهاد با کافران پشتیبانی می‌کند و نصرت هم از اوست، اما تلاش و کوشش اهل ایمان هم، لازم است، تا استحقاق پیروزی بر اهل کفر، فراهم آید.

این آیه و آیه پیش از آن، آمَنَ الرَّسُولُ، از آیه‌های پرمعناست و مضمونشان از زبان اهل ایمان و معتقدان به خدا و انبیا و فرشتگان و کتب آسمانی است. به همین دلیل توصیه شده که به عنوان تعقیبات نمازها تلاوت شوند.

ص: ۲۷

۴. نگهبانی از حریم دل

رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَنا وَ هَبْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً إِنَّکَ أَنْتَ الْوَهّابُ (آل‌عمران: ۸)

پروردگارا! پس از آنکه هدایتمان کردی، دل‌های ما را به سوی باطل مگردان و از پیش خود برای ما رحمت عطا کن، همانا تو بسیار بخشنده‌ای.

چون دل سرای توست نه بیگانه

در راه دل نشسته و دربانم حاشا که جز تو ره به دلم یابد جانم فدایت، ای همه جانانم از وظایف بنده، نگهبانی از حریم دل است. در کلام بزرگان است که: «قلب، حرم خداست، پس در حرم خدا جز خدا را ساکن نکن». به عبارت دیگر، انسان نباید اجازه دهد که حریم دل، پایگاه ابلیس و محلّ وسوسه‌های شیطانی یا اعتقادهای باطل شود و این یک وظیفه مهمّ برای اهل ایمان است، به ویژه، برای کسی که توفیق یافته و قلبی

ص: ۲۸

روشن از هدایت الهی دارد، زیرا از دست دادنِ قلب هدایت یافته و نورانی، خود یک زیان بزرگ است.

خداوند همواره هدایت‌گر انسان‌هاست و دوست ندارد هیچ دلی دچار ظلمت کفر و نفاق و رذیلت‌های اخلاقی شود، ولی زمینه‌های این خروج از دایره ایمان و هدایت، گاهی به دست خود انسان فراهم می‌شود و بدین ترتیب، خداوند، صلاحیت برخورداری از نعمت ایمان و هدایت و حرکت در صراط مستقیم را از او می‌گیرد.

این آیه، از زبان راسخین در علم و معرفت، بیان شده است که همه آیه‌های الهی را قبول دارند و همه را از جانب خداوند می‌دانند و تسلیم پروردگارند. (۱)دل‌های با ایمان، گاهی دچار تردید می‌شود و ایمان را از دست می‌دهد.

افراد هدایت یافته، گاهی در اثر تبلیغات نادرست و فریب گمراهان، دست از هدایت می‌کشند و به بی‌راهه گمراهی کشیده و از دین برگشته می‌شوند.

هدایت، روشنایی دل و جان و گناه و گمراهی، تیرگی دل است. دور از خرد است، اگر کسی از

۱- آل عمران: ۷.

ص: ۲۹

روشنایی به تاریکی نشیند و از نور ایمان دست بشوید.

دل، خانه محبوب است، پس چرا باید شیطان در آن راه یابد؟

قرآن، برخی از دل‌ها را وارونه و مهر خورده می‌دانـد. نور هدایت، راهی برای ورود به دل‌های لاک و مهر شده خَتَمَ اللهُ عَلی قُلُوبِهِمْ (بقره: ۷) ندارند، ولی دلی که روشن شد، حیف است دوباره به تاریکی گرفتار شود.

ص: ۳۰

۵. ایمان و غفران

رَبَّنا إِنَّنا آمَنّا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ قِنا عَذابَ النّارِ (آل عمران: ۱۶)

پروردگارا! به یقین ما ایمان آوردیم، پس گناهان ما را ببخشای و ما را از عذاب آتش [دوزخ] نگه دار.

به فرموده قرآن، این دعا گفته و خواسته انسان‌های خداترس، با ایمان و نیکوکاری است که از پروردگارشان بهشت و نجات از دوزخ را می‌طلبند.

در آیه‌های پیشین، از دنیاطلبی و علاقه به زر و زیورهای فانی دنیوی که در دل بیشتر مردم راه می‌یابد، سخن گفته شده و جلوه‌های دل‌فریب دنیا، ناپایدار به شمار آمده است و برای اهل تقوا، نعمت‌های ابدی بهشت و حوریان بهشتی و رضوان الهی، پاداشی برای اهل تقوا عنوان شده است. آن‌گاه می‌فرماید: «خداوند به بندگانی که چنین خواسته‌ای دارند [آمرزش و نجات از آتش] بینا و آگاه است».

در آیه بعدی هم، ویژگی‌های دیگری از این

ص: ۳۱

بهشتیان، از جمله: صبر، صداقت، قنوت و عبادت، انفاق و استغفار در سپیده‌دمان را برمی‌شمارد.

خواسته‌های این آیه عبارت است از:

۱. آمرزش گناهان؛

۲. نجات یافتن از آتش.

خداوند، آمرزنده است. پس آمرزش گناهان را هم، باید از او خواست.

خداونـد، مالک روز جزاست و حساب و کتاب بندگان و داوری روز قیامت، بر عهده خود اوست و دوزخ را هم برای عقاب کافران و ستمگران و گنهکاران آفریده است. پس اگر رحمت او دستگیر ما نشود و گناهان آمرزیده نگردند، گرفتار دوزخ خواهیم شد.

پس، عالی‌ترین خواسته را از او می‌خواهیم که «آمرزش» و رهایی از جهنّم است.

حضرت علی (ع) فرموده‌اند:

هیـچ خیری که بعد از آن آتش باشد، خیر نیست و هیچ شـرّ و بدی که پس از آن بهشت باشد، بد نیست. هر نعمتی کمتر از بهشت، ناچیز است و هر بلایی کمتر از آتش، عافیت است.(۱)

۱- ما خیرٌ بخیرٍ بَعدَهُ النَّارُ وَ مَا شَرٌّ بِشَرٍّ بَعْدَهُ الْجَنَّهُٔ وَ کُلُّ نَعِیمٍ دُونَ الْجَنَّهِٔ فَهُوَ مَحْقُورٌ وَ کُلُّ نَعِیمٍ دُونَ الْجَنَّهِٔ فَهُوَ مَحْقُورٌ وَ کُلُّ بَلاءٍ دُونَ النَّارِ عَافِیَهٌٔ. نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ۳۸۷.

ص: ۳۲

۶. نسل پاک

رَبِّ هَبْ لی مِنْ لَدُنْکَ ذُرِّیَّةً طَیِّبَةً إِنَّکَ سَمیعُ الدُّعاءِ (آل عمران: ۳۸)

پروردگارا! ذریّه و فرزندانی پاک به من عطا کن، همانا تو شنوای دعایی.

این دعا از زبان حضرت زکریا (ع) بیان شده است. او که عهده‌دار تربیت حضرت مریم (س) و متکفّل امور او بود. هرگاه زکریا (ع) نزد مریم مقدّس که در محراب عبادت در بیت المقدّس به دعا و نیایش مشغول بود، می‌رفت، می‌دید که در محراب او غذاهای بهشتی وجود دارد. از او می‌پرسید:

«اینها از کجاست؟» مریم می‌گفت: «از سوی خداوند است».

جایگاه والایی که حضرت مریم (س) نزد خداوند داشت، سبب شد تا حضرت زکریّا (ع) هم، به داشتن چنین نسل پاک و شایسته‌ای، مشتاق شود و از خدا بخواهد که به او هم فرزندانی الهی و پاک عطا کند. خداوند هم دعای او را پذیرفت و با اینکه در سنین

ص: ۳۳

پیری بود، به او فرزندی چون «یحیی» عطا کرد که او هم از پیامبران شد.(۱) تداوم نسل انسان و زنده ماندن نام و یاد او، از طریق فرزندان است.

فرزندان نیز، خصلت‌های نیک و پسندیده را از پدران و مادرانشان به ارث می‌برند و وقتی بزرگ شدند، خودشان تربیت‌کننده نسلی با ایمان و صالح می‌شوند. از این‌رو «ذریّهٔ طیّبه» و نسل شایسته و فرزندان خوب و خَلفِ صالح، یکی از خواسته‌های متعالی و ارزشمند انسان از درگاه الهی است که صلاح خانواده و جامعه را تضمین می‌کند.

در دعاهای ائمه و پیامبران الهی دیگر هم درخواستِ «نسل طیّب و طاهر» و اولاد شایسته و صالح دیده می‌شود. در «صحیفه سجادیّه» نیز امام زین‌العابدین (ع) از خداوند درخواست فرزندانی دارای صحّت بدن، صحّت دین و صحّت اخلاق می‌کند که فرزندانی نیکوکار، باتقوا، بابصیرت، مطیع امر خدا، محبّ و خیرخواه اولیای الهی و دشمن با دشمنان خدا باشند:

۱- آل عمران: ۳۹.

ص: ۳۴

اصِحَّ لِی ابْدانَهُمْ وَ ادْیانَهُمْ وَ اخْلاقَهُمْ ... وَ اجْعَلْهُمْ ابْراراً اتقیاءَ بُصَراءَ سامِعینَ مُطِیعِینَ لَک... (۱) هیچ چیز بهتر از نسل پاک و با ایمان، از انسان به یادگار نمی‌ماند.

ازاین‌رو، در کنار چنین خواسته‌ای از خدا، باید برای تربیت دینی و اخلاقی فرزندان هم، همّت گماشت و فرزندانی لایق و نیکو به جامعه تحویل داد.

۱- صحیفه سجادیه، دعای ۲۵.

ص: ۳۵

۷. ایمان و اطاعت

رَبَّنا آمَنّا بِما أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاکْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِینَ (آل عمران: ۵۳)

پروردگارا! به آن‌چه فرو فرستادی ایمان آورده‌ایم و از پیامبر پیروی کرده‌ایم، پس ما را از شاهدان و با گواهان بنویس.

بندگی کن تا که سلطانت کنند تن رها کن تا همه جانت کنند

خوی حیوانی سزاوار تو نیست ترک این خو کن که انسانت کنند

چون نداری درد، درمان هم مخواه درد پیدا کن که درمانت کنند

نخستین گام در بندگی خدا، ایمان به آیه‌های قرآن و کتب آسمانی و دین و شریعتی است که از سوی خداوند فرستاده می‌شود و نتیجه این ایمان، تبعیّت از «رسول» است؛ زیرا پیامبر، واسطه میان خالق و خلق و پیام‌آوری از سوی پروردگار است. کسی که خدا را پذیرفته است، باید از فرستاده او هم پیروی کند.

ص: ۳۶

این آیه گرچه از زبان اصحاب و حواریّون حضرت عیسی (ع) بیان شده است، ولی می‌تواند دعا و خواسته هر انسانِ خداباوری نیز باشد. در آیه پیشین آمده است که عیسای مسیح با جمله مَنْ أَنْصارِی إِلَی اللهِ از مردم سؤال کرد که چه کسی در راه خدا و مبارزه با شرک، مرا یاری می‌کند؟ حواریّون که یاران خالص او بودند، گفتند: نَحْنُ أَنْصارُ اللهِ؛ «ما یاوران خداییم و به خدا ایمان آورده‌ایم، و شاهد باش که تسلیم پروردگاریم».

سپس دعای فوق را رَبَّنا آمَنَّا ... بیان کردند.

در این دعا، بر دو نکته تأکید و سپس خواسته آنها بیان شده است.

نکته اول: ایمان داشتن به آنچه از سوی خدا نازل شده است. دین، رهنمود وحی آسمانی برای هدایت و کمال بشر است و مسلمان و مؤمن کسی است که راه صحیح زندگی و رسیدن به سعادت در دین را بشناسد و پذیرای آن باشد.

نکته دوم: تبعیّت کردن از رسول. اطاعت از پیامبر در تداوم اطاعت از خداست. مگر می‌توان خدا و دین او را پذیرفت، ولی از فرستاده او فرمانبرداری نکرد، آنگاه ادعای ایمان به خدا را هم

ص: ۳۷

داشت؟ در قرآن، اطاعت از خدا و رسول با هم آمده است: أطیعُوا اللَّهَ وَ أطیعُوا الرَّسُولَ (نساء: ۵۹).

پس کسی که این دو ویژگی را دارا باشد، سزاوار است که از خدا بخواهد او را از «شاهدان» قرار دهد.

«شاهـد»، یعنی گواه و حجّت و کسـی که در ایمان و عمل، کامل و به فرمان خـدا و دین پایبنـد باشد و نیز، به عنوان گواه بر مردم و شاهـد بر دیگران به شـمار رود، همچنـان‌که خداونـد، امّت پیامبر خاتم و مسـلمانان را امّت وسط و شاهـد بر دیگران قرار داده است: لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النّاسِ (بقره: ۱۴۳).

پیامبر، شاهد بر مردم است و مسلمانان شاهد بر دیگران و این مقام بزرگی است که از خداوند خواسته می‌شود و آنها که «شاهد» ند. از سوی پروردگار به عنوان نمونه و الگو معرفی می‌شوند تا آنها هم از ایشان الگو بگیرند.

ص: ۳۸

۸. گناه و اسراف

اشاره

رَبَّنا اغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ إِسْرافَنا فی أَمْرِنا وَ ثَبِّتْ أَقْدامَنا وَ انْصُرْنا عَلَی الْقَوْمِ الْکافِرِینَ (آل‌عمران: ۱۴۷)

پروردگارا! گناهان و اسراف ما را ببخشای و گام‌های ما را استوار بدار و ما را بر قوم کافر پیروز گردان.

این دعا در قرآن کریم، از زبان انسان‌های موحّد و الهی است که در رکاب پیامبران گذشته به جهاد با دشمنان برخاستند و در این راه، نه سست شدند و نه به خاطر سختی‌هایی که به آنها رسید، از خود ضعف نشان دادند، بلکه همواره صبور و پایدار بودند. (۱)پس از بیان این توصیف، می‌فرماید: «سخن آنها چنین بود که خدایا گناهان و اسراف ما را ببخشای و ما را پیروز گردان».

در این آیه نیز، چهار خواسته مطرح شده است:

۱- آل عمران: ۱۴۶.

ص: ۳۹

الف) آمرزش گناهان

«ذنب» به معنـای گنـاه و خطـا است، زیرا کیفر و عقوبت را به دنبـال دارد و اگر بخشوده نشود، انسـان در قیامت گرفتار عـذاب الهی خواهد شد. آمرزش خواستن از درگاه الهی، یکی از بهترین دعاهاست که در قرآن و ادعیه آمده است.

ب) آمرزش اسراف

اسـراف بـه هر نـوع زیـاده‌روی و از حـدّ گذشـتن و افراط گفته می‌شـود. نمـونه بـارز آن، ولخرجی و هـدر دادن نعمت‌هـای خـدا و ریخت‌وپاش آنهاست. در قرآن هم، اهل اسـراف و تبـذیر نکوهش شده‌اند و مبذّرین را برادران شـیطان نامیده است. اسـراف مالی و ناسپاسی نسبت به نعمت‌ها از گناهان بزرگ است و توبه آن هم، پرهیز از اتلاف مال و داشتن قناعت و بهره‌وری شایسته از امکانات و نعمت‌هاست. اسراف در امر، به هر نوع تجاوز از حدّ و مرز اعتدال در کارها گفته می‌شود که شامل افراط و تفریط است.

ج) ثبات قدم و پایداری

آنچه در جبهه نبرد لازم است، استواری و ایستادگی در میدان و فرار نکردن از جنگ و داشتن

ص: ۴۰

روحیه سلحشوری و شجاعت است که امری درونی و قلبی محسوب می‌شود. ثابت قدم بودن در دین و عدول نکردن از آیین صحیح آسمانی نیز، نمونه دیگری از این پایداری است. توفیق این ایستادگی در برابر دشمن و داشتن قوّت قلب و صبر و ثبات در دین‌داری را باید از خدا خواست، که او «مقلّب‌القلوب» است.

د) پیروزی بر کافران

در دعاهای پیشین هم، این خواسته مطرح بود. در جبهه حق و باطل و ایمان و کفر، اگر مؤمنان صادقانه جهاد کنند و با مال و جان فداکاری نشان دهند و دین خدا را یاری کنند، خداوند هم طبق وعده‌اش به آنها نصرت می‌دهد. وعده خدا و تقدیر حتمی او این است که جبهه خدا و پیامبران پیروز شوند: کَتَبَ اللهُ لأَغْلِبَنَّ أنا وَ رُسُلی (مجادله: ۲۱)؛ ولی این پیروزی در سایه ایمان و جهاد و صبر مؤمنان به دست می‌آید.

حضرت علی (ع) در «نهج البلاغه»، ضمن بیان مجاهداتی که امت پیامبر (ص) در رکاب رسول خدا (ص) داشتند و خالصانه می‌جنگیدند، می‌فرماید: «چون خداوند صداقت ما را دید، بر دشمنان ما شکست و

ص: ۴۱

خواری و بر ما نصرت و یاری فرو فرستاد، تا آنکه اسلام استقرار و قوّت یافت».(۱)

دست حاجت چو بری نزد خداوندی بر که کریم است و رحیم است و غفور است و ودود

کرمش نامتناهی، نِعَمش بی‌پایان هیچ خواننده از این در نرود بی‌مقصود(۲)

۱- فَلَمَّا رَأَی اللهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بِعَدُوِّنَا الْکَبْتَ وَ أَنْزَلَ عَلَیْنَا النَّصْرَ ... نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۵۶.

۲- سعدی.

۹. لبیّک به ندای آسمان

رَبَّنا إِنَّنا سَمِعْنا مُنادِیاً یُنادی لِلإیمانِ أنْ آمِنُوا بِرَبِّکُمْ فَآمَنّا رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ کَفِّرْ عَنّا سَیِّئاتِنا وَ تَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرارِ (آل‌عمران: ۱۹۳)

پروردگارا! ما نداکننده‌ای را شنیدیم که به ایمان فرا می‌خواند که: به پروردگارتان ایمان آورید. پس ما هم ایمان آوردیم. پس گناهان ما را بیامرز و بدی‌های ما را بپوشان و از آنها درگذر و ما را با نیکان بمیران.

این آیه، از آیه‌های پایانی سوره مبارکه آل عمران است که مستحب است هنگام برخاستن برای نماز شب و تهجّد، تلاوت شود. این آیه از زبان سحرخیزان عاشق و عارفی است که همواره به یاد خدایند و شب و روز، نشسته و ایستاده و خوابیده، او را یاد می‌کنند و به هدف‌داری خلقت باور دارند و خدا را تسبیح گفته، از عذاب دوزخ به او پناه می‌برند.

منظور از «منادی»، که مردم را به ایمان به خدا

ص: ۴۳

دعوت می‌کند، بنا به قولی حضرت محمد (ص) است که از سوی خداوند مأمور بود مردم را به سوی خدا و ایمان به مبدأ و معاد دعوت کند و بنا به قولی دیگر، مقصود از آن، قرآن کریم است که کلام خداست و انسان‌ها را به توحید و ایمان و پیروی از انبیا فرا می‌خواند.

طبق هر نقلی که باشد، در این دعا مراتب پذیرش و قبول دعوت آن منادی آسمانی را ابراز و اظهار می‌کنیم و به آن دعوت ملکوتی، لبّیک اجابت می‌گوییم و از خداوند سه خواسته مهم می‌طلبیم:

۱. مغفرت و آمرزش الهی؛

۲. محو گناهان و پوشاندن خطاها؛

۳. مرگ در کنار نیکان و صالحان.

آمرزش پروردگار، با پوشاندن و محو گناهان همراه است. زمانی که کسی آمرزیده می‌شود، قلم محو بر گناهانش کشیده و خطاهایش نادیده گرفته می‌شود.

«ابرار»، انسان‌های با ایمان، صالح و نیکوکارانند که خدا با آنهاست و دوستشان دارد و در آخرت آنها را به بهشت می‌برد و از نعمت‌های بهشتی و شراب طهور به آنها می‌نوشاند و بر تخت‌های بهشتی

ص: ۴۴

می‌نشاند و بهترین پاداش‌ها را به آنها عطا می‌کند. همه اینها در آیه‌های قرآن آمده است. (۱)ما می‌خواهیم از خوبان و ابرار باشیم و هنگـام مرگ هم، همچون خوبـان بمیریم. روشن است کسـی که در جمع نیکان و ابرار باشـد، در آخرت هم، همنشـین آنها خواهد بود.

همـه ایـن مراتـب قرب و پاداش‌هـا، از آنِ کسـانی است که صادقـانه رو به خـدا آورنـد و از چشـمه رحمت و آمرزش او برخـوردار گردند.

یا رب به سوز سینه پیران پاک‌دل

از ما هر آنچه بود و نَبُد ناروا، ببخش

یارب به اشک چشم یتیمان، گذشت کن

یا رب به استغاثه اهل دعا ببخش

۱- . ر. ک: آل عمران: ۱۹۸؛ انسان: ۵؛ انفطار: ۱۳؛ مطففّین: ۲۲.

ص: ۴۵

۱۰. رستگاری اخروی

رَبَّنا وَ آتِنا ما وَعَدْتَنا عَلی رُسُلِکَ وَ لا تُخْزِنا یَوْمَ الْقِیامَهِٔ إِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمیعادَ (آل عمران: ۱۹۴)

پروردگارا! آنچه را که از زبان فرستادگانت به ما وعده داده‌ای به ما عطا کن و ما را در روز قیامت خوار مگردان، تو هرگز وعده را خلاف نخواهی کرد.

این آیه، در ادامه آیه قبل است و مضمون آن خواسته‌های متعالی سحرخیزان و اهل مناجات و نماز شب است.

در این آیه نیز، از خداونـدی که وعده‌اش راست و حتمی است و به بندگان صالح، بهشت برین و سـعادت ابدی را وعده داده است، دو خواسته مهم می‌طلبیم:

۱. تحقق وعده‌های الهی که از زبان پیامبران بیان شده است؛ پروردگار به اهل طاعت، وعده بهشت داده

ص: ۴۶

است. (۱)امّا اگر ما را طبق خلاف‌ها و عصیان‌هایمان مؤاخذه کند، شایستگی ورود به بهشت برین را از دست خواهیم داد، ولی اگر ببخشاید و از جرم ما درگذرد، آن وعده‌ها درباره ما عملی می‌شود.

۲. خوار و رسوا نشدن در روز قیامت؛ روز قیامت اسامی مختلفی دارد. روز حسرت، روز پشیمانی، روز خواری، روز تغابن، روز جزا، روز حساب و...

بسیاری از کسانی که در دنیا عزت و آبرو و شوکت و اقتدار دارند، به سبب گناه و جرایمی که مرتکب می‌شوند در روز قیامت، از جمله کسانی هستند که خوار و رسوا می‌شوند. آنان را به سوی دوزخ می‌برند و کسی نیست که آنان را یاری و شفاعت کند.

تأکید بر تخلّف‌ناپذیری وعده‌های الهی، بر اساس اعتقادهای ما نسبت به خداوند است و ده‌ها آیه نیز، بر این نکته تصریح دارد، از جمله:

۱- آیه‌های بسیاری در قرآن کریم درباره وعده‌های الهی است که در این مختصر حتی اشاره به آنها هم، نمی‌گنجد. تنها به این یک آیه بسنده می‌شود: جَنّاتِ عَدْنٍ الَّتی وَعَدَ الرَّحْمنُ عِبادَهُ؛ «بهشت برینی که خداوند مهربان به بندگانش وعده داده است» (مریم: ۶۱).

ص: ۴۷

إِنَّ وَعْدَ اللهِ حَقٌّ فَلا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَياةُ الدُّنْيا (لقمان: ۳۳)

همانا وعده خداوند حق و راست است، پس زندگی دنیا شما را فریب ندهد. (۱)ای آنکه دیده‌ها همه در آرزوی توست

بخشندگی و فضل و کرم، خلق و خوی توست

تسبیح‌گوی تو همه ذرّات کائنات

دل‌های بندگان همه در های و هوی توست

فرخنده آن سری که شبی پیش تو خم است

شایسته آن تنی که سحر رو به روی توست

۱- ر. ك: احزاب: ۴۴؛ اعراف: ۴۴؛ ذاریات: ۵؛ فاطر: ۵؛ نساء: ۱۲۲؛ روم: ۶ و...

ص: ۴۸

۱۱. ستم به خویشتن

رَبَّنا ظَلَمْنا أَنْفُسَنا وَ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنا وَ تَرْحَمْنا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخاسِرِينَ (اعراف: ۲۳)

پروردگارا! ما بر خویش ستم کرده‌ایم. اگر ما را نیامرزی و رحم نکنی از زیان‌کاران خواهیم بود.

ظلم و ستم، گاهی نسبت به دیگری است و گاهی بر خویشتن است.

کسی که دعوت الهی انبیا را نادیده می‌گیرد و از سعادت ابدی و رحمت خداوند دور می‌شود، از فیض خدا محروم شده و در واقع، به خود ستم کرده است. هرکس گناه کند و مستحقّ عذاب شود، ظلم به نفس کرده است. رفع این ظلم هم، در آن است که انسان توبه کند و راه خیر و پاکی پیش گیرد، تا موجبات رحمت و آمرزش الهی را فراهم آورد.

تو آن خدای خالق و رحمانی

من بنده حقیر و پشیمانم با این همه گناه که من دارم چون ادّعا کنم که مسلمانم؟

ص: ۴۹

بگذشته از شماره و حدّ و حصر

اندازه خطا و گناهانم شاید مرا نگاه تو گیرد دست ورنه فریب خورده شیطانم آیه یاد شده و دعای آن، از قول حضرت آدم و حوّا ۸ است. خداوند آنها را از نزدیک شدن به درختی در بهشت منع کرده بود. اما شیطان آنها را وسوسه کرد. بدین ترتیب، از آن درخت خوردند و از سوی خداوند به خروج از بهشت محکوم شدند. خداوند به آنها یادآوری کرد که: «من گفته بودم شیطان، دشمن آشکار شماست؛ چرا از او پیروی کردید؟» (۱)آن دو، زبان به اظهار پشیمانی گشودند و گفتند که ما به خودمان ستم کردیم و امید به رحمت و آمرزش تو داریم.

البته آنچه آن دو انجام دادند، «ترک اولی» بود نه حرام، وگرنه پیامبران الهی معصوم‌اند و مرتکب معصیت نمی‌شوند. ظلم به نفس هم، که آمده، محرومیت از ثواب الهی به خاطر نزدیک شدن به درختی است که از آن نهی شده بودند.

درباره «ظلم به نفس»، روایت‌های بسیار وجود دارد. در این زمینه، از امیرمؤمنان (ع) نقل شده است:

۱- اعراف: ۲۲.

ص: ۵۰

ظَلَمَ نَفْسَهُ مَنْ عَصَی اللهَ وَ اطاعَ الشَّیْطانَ. (۱)هر کس خدا را نافرمانی کند و پیروی از شیطان کند، به خودش ستم کرده است.

و نیز فرموده‌اند:

ظَلَمَ نَفْسَهُ مَنْ رَضِی بِدارِ الفَناءِ عِوَضاً عَنْ دارِ البَقاءِ.

(۲)کسی که سرای ناپایدار [دنیا] را به جای سرای جاودانگی [آخرت] بپسندد، به خودش ظلم کرده است.

خداوند درباره کسانی که با گناه، موجبات دوزخی شدن خود را فراهم می‌کنند، می‌فرماید: وَ ما ظَلَمْناهُمْ وَ لکِنْ کانُوا أَنْفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ؛ «ما به آنان ستم نکردیم بلکه آنان خودشان به خویشتن ستم کردند.» (نحل: ۱۱۸)

۱- غرر الحکم، حدیث ۶۰۵۷.

۲- همان، حدیث ۶۰۶۴.

ص: ۵۱

۱۲. دوری از ستمگران

رَبَّنا لا تَجْعَلْنا مَعَ الْقَوْمِ الظّالِمينَ (اعراف: ۴۷)

پروردگارا! ما را با گروه ستمگران قرار مده.

آرزو دارم اگر گل نیستم، خاری نباشم

بار بردار ار ز دوشی نیستم، باری نباشم

گرچه نتوانم ستانم دادِ مظلومی ز ظالم

باز این خواهم که همکار ستمکاری نباشم

دوستی بـا ظالمان و نشـست و برخاست با آنها، انسان را به همان گروه ملحق می‌کنـد. «برائت» از کافران، دشـمنان و ظالمان و تبرّی جستن از اهل گناه و مخالفان دین و منکران خدا، از واجبات مهمّ دینی است.

آنچه در آیه فوق آمده، از قول اصحاب اعراف است.

در آیه‌هـای پیش از آن آمـده است که در قیامت، گفت‌وگویی میان بهشتیان و دوزخیان انجام می‌گیرد و میان این دو گروه حجاب است. در «اعراف» هم، (که

ص: ۵۲

منطقه‌ای بین بهشت و جهنم است)، کسانی هستند که همه را با چهره‌هاشان می‌شناسند و به بهشتیان سلام و درود می‌فرستند. (۱)دعای مطرح شده در این آیه، مربوط به زمانی است که اصحاب اعراف، اهل جهنم را گرفتار عذاب الهی می‌بینند که راه نجاتی از دوزخ برایشان نیست. بدین ترتیب آنها برای بیزاری جستن از اهل جهنم می گویند: «خدایا ما را با ستمگران قرار مده».

اعلام بیزاری از اهل ستم، نشانه حق‌طلبی و عدالت‌خواهی و ضدّ ظلم بودن انسان است. به یقین، کسانی که در دنیا با ستمگران‌اند، در آخرت هم با همانان خواهند بود.

پس، باید هم از خدا خواست تا ما را با نیکان قرار دهد: وَ تَوَفَّنا مَعَ الأَبْرارِ.

و هم اینکه سرنوشت و حشر و نشر ما را در دنیا و آخرت با ظالمان قرار ندهد: لا تَجْعَلْنا مَعَ الْقَوْمِ الظّالِمِینَ.

۱- به آیه‌های ۴۵ و ۴۶ همین سوره دقت کنید.

ص: ۵۳

۱۳. صبر و عاقبت به خیری

رَبَّنا أَفْرِغْ عَلَيْنا صَبْرًا وَ تَوَفَّنا مُسْلِمينَ (اعراف: ۱۲۶)

پروردگارا! بر ما صبر و مقاومت فرو ریز و ما را «مسلمان» بمیران.

خدایا چنان کن سرانجام کار

تو خشنود باشی و ما رستگار این دعا از زبان حضرت موسی (ع) و حضرت هارون (ع) و مؤمنان آن زمان است. قصّه از این قرار است که خداوند، حضرت موسی (ع) را در میان بنی‌اسراییل برانگیخت تا آنها را از حکومت طاغوتیِ فرعون نجات دهند و به خداپرستی هدایت کند. هارون برادر آن حضرت هم، در انجام این رسالت در کنارش بود. دعوت آنها مایه خشم حکومت فرعونی شد. فرعونیان معجزاتی را که به دست موسای کلیم (ع) آشکار می‌شد، «سِحر» می‌نامیدند و ساحران را برای مقابله با موسای کلیم (ع) ترغیب می‌کردند.

ص: ۵۴

هنگـامی که حضـرت موسـی (ع) عصـای خود را افکنـد و اژدهـا شـد و همه ریسـمان‌های مـارگونه جادوگران را بلعیـد، جادوگران فهمیدنـد که کار موسـی (ع) سِـحر نیست، بلکه به قدرت الهی است. ساحران به سـجده افتادند و به خدای موسـی و هارون ۸ ایمان آوردند.

فرعون، موسی و هارون ۸ را تهدیـد به اخراج، قتل و اعدام کرد و ساحران را هم به دار آویخت. کسانی که به دین موسـی و خدای یگانه ایمان آورده بودند، گفتند: «تو می‌خواهی از ما انتقام بگیری، زیرا ما به نشانه‌های خدا [و معجزات حضـرت موسـی (ع)] ایمان آورده‌ایم». (۱)در چنین موقعیتی خطیر، بنـدگان خـدا بایستی به درگاه خـدا روی آورنـد و از او کمک بخواهند. این بود که از خدا صبر و فرجام نیک طلب کردند.

اگر صبر نباشد، فشارها و تهدیدها اهل ایمان را دچار لغزش یا عقب‌نشینی می‌کند.

نکته مهم دیگر، «مرگ در حالتِ مسلمانی» است. بیشتر افراد عاقبت خوبی ندارند و با حالت کفر و بی‌دینی یا فسق، از دنیا می‌روند. برای انسان این یک

۱- این مطلب در آیه‌های ۱۰۳ تا ۱۲۵ سوره اعراف آمده است.

ص: ۵۵

سعادت است که «مسلمان» بمیرد، یعنی در واپسین لحظه‌ها هم، تسلیم خدا باشد و قلبش از آنچه خدا برای او مقدّر کرده، راضی باشد و با حالت اطاعت و تسلیم جان دهد و دچار انحراف عقیدتی و فسق و فجور عملی نشود.

ساحرانی که به خدای یکتا و حقانیت حضرت موسی (ع) ایمان آوردند، بر این عقیده ثابت ماندند و طبق نقلی، در راه این عقیده به شهادت رسیدند. (۱)خواجه عبدالله انصاری می گوید: «خدایا پاکم کن، آنگاه خاکم کن».

الهی دلی ده که جای تو باشد

لسانی که در وی ثنای تو باش-- د

الهی چنانم کن از عشق خود مست

که خواب و خورم از برای تو باشد

الهی بر این بنده خود دلی ده

که مستغنی از ماس-- وای تو باشد

۱- مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۶۴.

ص: ۵۶

۱۴. ولایت الهی

أَنْتَ وَلِیُّنا فَاغْفِرْ لَنا وَ ارْحَمْنا وَ أَنْتَ خَیْرُ الْغافِرِینَ* وَ اکْتُبْ لَنا فی هذِهِ الدُّنْیا حَسَنَةً وَ فی الْآخِرَةِ إِنّا هُدْنا إِلَیْکَ (اعراف: ۱۵۵ و ۱۵۶)

تو سرپرست و مولای مایی، پس ما را بیامرز و رحم کن و تو بهترین آمرزندگانی و برای ما در این دنیا و در آخرت حسنه و نیکی بنویس، همانا ما به سوی تو روی آورده‌ایم.

در درگهت یکی ز غلامانم

نام تو زینت لب و دندانم غفاری و کریم و خطاپوشی من صاحب معاصی پنهانم با روی آوردن به خدا و پذیرش ولایت او، انسان در مدار بندگی قرار می گیرد. هر که بنده آن خالق مهربان شد، از بخشش و رحمت او برخوردار می‌شود. ما از خودمان چیزی نداریم. در دنیا و آخرت، همه امور ما به دست پروردگار است. او، هم حیات‌بخش، هم روزی‌دهنده، هم پاداش‌دهنده و هم بخشاینده است. پس او «ولیّ» و سرپرست مطلق ما در همه جا

ص: ۵۷

و همیشه است. کسی که به این ولایت اعتراف کند، به رحمت او هم امیدوار است و کسی که در ولایت الهی قرار گرفت، از سلطه‌های دیگر رها می‌شود.

این آیه، از قول برگزیدگانی از امّت موسی (ع) است. وقتی حضرت موسی (ع) برای میقات الهی می‌رفت، هفتاد نفر از قوم خود را برگزید. آنها وقتی کلام الهی را در میقات شنیدند، خواستند که خدا را آشکارا ببینند، جلوه الهی در آن میقات، چنان آنها را مدهوش کرد که نزدیک بود جان از پیکرشان جدا و بند از بندشان گسسته شود. نکته‌های دیگری هم در این‌باره گفته شده است.(۱)

به هر حال، پیامبر (ع) برای آنها در مقام عذرخواهی از پروردگار و از اینکه آنها در این آزمون، خوب ظاهر نشدند، درخواست آمرزش کرد و با اعتراف به ربوبیت و ولایت الهی، از خداوند خواست تا آنها را ببخشد.

درخواست دیگر، حسنه دنیا و آخرت بود.

در اینکه مقصود از حسنه دنیا و آخرت چیست، روایت‌های گوناگونی آمده است که بخشی از آنها در ضمن آیه اوّل این مجموعه گذشت. از جمله گفته

۱- مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۸۵ ذیل این آیه.

ص: ۵۸

شـده که: «حسـنه در دنیـا، نام نیک و توفیق برای اعمال صالـح است و حسـنه آخرت، رفعت مقام و آمرزش و بهشت است». (۱)این درخواست از زبان کسی است که به خدا رومی‌آورد و از غیر او دل می‌کند: إِنَّا هُدْنا إِلَیْکَ.

خدا هم پذیرای این اقبال و توجّه خواهد بود.

«نوای شوق، ز نای دل، عاشقانه برآور

خدای عالمیان را

ز عمق جان و دل خویش، عاشقانه صدا کن

ز خلق و خود بگذر، رو به آستان خدا کن

به اشک نیمه شبی، یاربی، به سجده شکری

سپاس نعمت بی‌منتهاش، ادا کن».

۱- مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۸۶.

ص: ۵۹

۱۵. نسل با ایمان

رَبِّ اجْعَلْنی مُقیمَ الصَّلاةِ وَ مِنْ ذُرِّیَّتی رَبَّنا وَ تَقَبَّلْ دُعاءِ* رَبَّنا اغْفِرْ لی وَ لِوالِدَی وَ لِلْمُؤْمِنینَ یَوْمَ یَقُومُ الْحِسابُ (ابراهیم: ۴۰ و ۴۱)

پروردگارا! مرا و فرزنـدان مرا برپا دارنـده نماز قرار بده و دعایم را قبول کن. پروردگارا! مرا و پدر و مادرم را و مؤمنان را در روزی که حساب (قیامت) برپا می‌شود، ببخشای.

هنگامی که حضـرت ابراهیم (ع) به فرمان خداوند، هاجر و پسـر عزیزش اسماعیل را به مکه آورد و در آن سرزمین خشک و بی‌آب در کنـار، خـانه خـدا رهـا کرد، می‌خواست تا به این وسـیله مردم، اهل نماز و خـداپرستی شونـد. از خداونـد هم درخواست کرد که دل‌های مردم را به آنها متمایل سازد و اهل آنجا را هم از نعمت‌ها برخوردار کند، باشد که سپاس گزار شوند.

این مطـالب و سـپاس گزاری حضـرت ابراهیم (ع) به درگاه خداونـد- که در سنّ پیری به ابراهیم خلیل، پسـرانی همچون اسـماعیل و اسحاق عطا شد- در قرآن

ص: ۶۰

بیان شده است (سوره ابراهیم، آیه‌های ۳۷ تا ۳۹).

در دعای یاد شده از زبان حضرت ابراهیم (ع)، چند خواسته مهم است که به آنها اشاره می‌شود:

۱. توفیق نمازگزار بودن، برای خویش خواسته است؛

۲. درخواستِ ذریّه و نسلی که اهل نماز و برپا دارنده این فریضه مقدّس باشند؛

۳. درخواستِ اجابتِ این دعا از سوی خدا؛

۴. درخواست آمرزش برای خود، پدر و مادرش و مؤمنان.

درباره نماز، تنها نماز خواندن مطرح نیست، بلکه «اقامه نماز» است که مهم‌تر از نماز خواندن است؛ زیرا برپایی نماز در جامعه، برخورداری نماز از روح تسلیم و تواضع و حضور قلب است.

نکته دیگر این است که آن حضرت، داشتن نسلی خداجوی و اهل عبادت را از خداوند خواسته است و این برترین میراثی است که از یک نفر، بر جای می‌ماند. اولاد بسیار، به تنهایی ارزش نیست، اگر نسل انسان خداجو و موحّد و اهل نماز باشند، ارزش دارد.

همچنین حضرت ابراهیم (ع) در آمرزش‌خواهی، تنها به خود اکتفا نکرده، بلکه مغفرت الهی را برای

ص: ۶۱

پدر و مادرش و مؤمنان دیگر هم، طلبیده است.

والـدین، حق بزرگی بر گردن فرزنـد دارنـد. احسان به پدر و مادر یکی از وظایف ماست. دعا در حق آنها و آمرزش‌خواهی پس از فوتشان، وظیفه دیگری است. کارهای نیک و اعمال صالحی که فرزنـدان انجام می‌دهنـد، موجب شادی روح پـدر و مادری می‌شود که از دنیا رفته‌اند.

نکته آخر اینکه، این آمرزش را برای روز قیامت که «روز حساب» است، درخواست کرده است.

چشم امیـد بندگان باید به رحمت و بخشـش الهی باشد و اگر عفو الهی شامل نشود، کار بندگان سـخت خواهد بود و کسـی طاقت حساب دقیق خدا را ندارد.

در روایت‌ها آمده است که: «امروز، عمل است و حساب نیست، فردا حساب است و عمل نیست!»

ص: ۶۲

۱۶. هدایت الهی

رَبَّنا آتِنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً وَ هَیِّی لَنا مِنْ أَمْرِنا رَشَداً (کهف: ۱۰)

پروردگارا! از سوی خودت برای ما رحمتی عطا کن و برای ما از کارمان راه نجاتی فراهم ساز.

موحّد چو در پای ریزی زرش

و یا تیغ هندی نهی بر سرش امید و هراسش نباشد ز کس همین است معنای توحید و بس خداوند، تنها تکیه‌گاه موحّدان در سختی‌ها، گرفتاری‌ها و بن‌بست‌هاست. هر که جز به خدا روی آورد و به غیر او تکیه کند، ناامید و ناکام می‌ماند. داستان «اصحاب کهف» که این دعا از زبان آنها بیان شده است، سرمشق افراد با ایمان است. آنها در عصر دقیانوس می‌زیستند و در دل، اعتقادات یکتاپرستی داشتند و چون حاضر نبودند اندیشه‌های مشرکانه حاکم و حکومت را بپذیرند، از دستگاه طاغوتی جدا شدند و هجرت کردند و به غاری پناه بردند و در آنجا خواستار گشایش کارشان از سوی خداوند شدند.

ص: ۶۳

چشم امید آنها به خدا بود و از غیر خدا هم، ترسی در دل نداشتند. خداوند به مدّت ۳۰۹ سال آنها را در آن غار، به خواب عمیقی فرو برد و پس از گذشت سه قرن، وقتی بیدار یا زنده شدند، حکومت دقیانوس نابود و حکومت و تفکّر مشرکانه از بین رفته بود و مردم یکتاپرست شده بودند. جوان‌مردان اصحاب کهف، نمونه‌ای از انسان‌های مؤمن و مصمّم بودند که به هیچ قیمتی حاضر نشدند از عقاید صحیح خویش دست بردارند.

زنده شدن دوباره آنها نیز، گواهی بر قدرت خداوند و حیات پس از مرگ و برهانی برای اثبات معاد بود. (۱)در این دعا، آنها از خداوند دو چیز را خواستند: «رحمت» و «نجات».

خداوند رحمان هم پذیرفت. بدین ترتیب آنها، هم از شرّ حکومت طاغوت نجات یافتند و هم مورد توجه ویژه پروردگار قرار گرفتند. خدا هم در قرآن از آنها به عنوان فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ؛ (کهف: ۱۳) یاد کرده است؛ یعنی جوان‌مردانی که به خدای خود ایمان

۱- سریال «مردان آنجلس» که چند سال پیش از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد، داستان همان جوانمردان بود.

ص: ۶۴

داشتند، خداوند هم بر هدایت آنها افزود.

رحمت خدا، گاهی به صورت نجات انسان از جامعه کفرآلود و گاهی هم به شکل توفیق برای ایجاد تحوّل فکری و روحی در جامعه است و اصحاب کهف از هر دو رحمت، برخوردار شدند.

آنان دوباره در همان غار، از دنیا رفتند و قبرشان مزار و عبادتگاه مردم گشت.

ص: ۶۵

۱۷. شرح صدر

رَبِّ اشْرَحْ لی صَدْری* وَ یَسِّرْ لی أمْری* وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسانی* یَفْقَهُوا قَوْلی (طه: ۲۵- ۲۸)

پروردگارا! سینه‌ام را گشاده گردان و کارم را آسان ساز و گِرهِ از زبانم بگشای، تا سخن مرا بفهمند.

خداوند، حضرت موسی و هارون ٨ را مأمور کرد که نزد فرعون بروند و او را به یکتاپرستی دعوت کنند.

آن گونه که از روایت‌ها و تاریخ برمی‌آید و قرآن هم به آن اشاره دارد، حضرت موسی (ع) اندکی لکنت زبان داشت، (۱)ولی هارون فصیح و زبان‌آور بود. این بود که موسای کلیم از خدا خواست تا در این دعوت، اجازه دهد برادرش هارون را هم، همراه خود ببرد، تا بهتر بتوانند فرعون را به توحید فرا بخوانند.

۱- مجمع البیان، ج ۴، ص ۸.

ص: ۶۶

دعـایی که در این آیه‌هـا آمـده، از زبـان حضـرت موسـی (ع) است. آنچه او خواسـته است، عبارت است از: «شـرح صـدر»، «آسانی امور»، «زبان گویا و فصیح».

شرح صدر، به معنای داشـتن قوت قلب و ظرفیت و تحمّل بسـیار برای شنیدن حرف‌های دیگران یا برخوردهای نامناسب یا مصائب و سختی‌هاست و از ضـرورت‌های مهم برای رهبران و مصـلحان است. خداوند به پیامبر اکرم (ص) نیز، این موهبت را عطا کرده بود: أَلَمْ نَشْرَحْ لَکَ صَدْرَکَ (شرح: ۱).

موسای کلیم می‌دانست که در راه رسالت خویش و دعوت فرعونیان، با سـختی‌هایی روبه‌رو خواهـد شد. ازاین‌رو، درخواست شـرح صدر از خدا کرد و نیز از خداوند خواست تا کار او را آسان سازد و مشـکلات را از سـر راهش بردارد و زبانش را به نطق و سـخن، گویا سازد تا لکنت زبانش- که از دوران کودکی داشت- در دعوت فرعون به راه خدا، مشکل‌ساز نباشد.

از این آیه قَدْ اوتیتَ سُؤْلَکَ یا مُوسی؛ «ای موسـی! خواسـته‌ات به تو داده شد»، برمی‌آید که مشکل زبانی آن حضرت حلّ و زبانش گویا شد. (۱)باید از خدا خواست تا در برابر سختی‌ها،

۱- مجمع البیان، ج ۷، ص ۹.

ص: ۶۷

مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها، به انسان طاقت و تحمّل و ظرفیت بدهد و خودش با هموارسازی راه دعوت به حق، مشکل‌ها را از سر راه بردارد و اسباب و وسایل پیروزی و موفقیت را فراهم کند.

خدا اگر بخواهد، امور را بر بنده‌اش آسان می‌کند. در قرآن آمده است که او انسان را از نطفه‌ای آفرید و وجودش را با اندازه و تقدیر قرار داد و راه را برای او آسان کرد: ثُمَّ السَّبیلَ یَسَّرَهُ (عبس: ۲۰).

خوشا دردی که درمانش تو باشی

خوشا راهی که پایانش تو باشی

خوشا چشمی که رخسار تو بیند

خوشا مُلکی که سلطانش تو باشی

خوش-- ی و خرّم-- ی و کامران-- ی

کسی دارد که خواهانش تو باشی

چه باک آید ز کس آن را که او را

نگهدار و نگهبانش تو باشی(۱)

۱- عراقی.

ص: ۶۸

۱۸. وسوسه‌های شیطان

رَبِّ أعُوذُ بِکَ مِنْ هَمَزاتِ الشَّیاطینِ* وَ أعُوذُ بِکَ رَبِّ أنْ یَحْضُرُونِ (مؤمنون: ۹۷- ۹۸)

پروردگارا! از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌برم، و پناه می‌برم به تو از اینکه شیطان‌ها [برای گمراه کردن من] پیش من حاضر شوند.

دلا بسوز که سوز تو کارها بکند

دعای نیمه شبی دفع صد بلا بکند

طبیب عشق، مسیحا دم است و مشفق، لیک

چو درد در تو نبیند، که را دوا بکند؟ (۱)یکی از توصیه‌های دینی، «استعاذه» است، یعنی به خدا پناه بردن و در گرفتاری‌ها و وسوسه‌های نفس امّاره و ابلیس خنّاس، از خدا کمک خواستن و به درگاه او روی آوردن.

شیطان، دشمن دیرینه قسم خورده و آشتی‌ناپذیر

۱- حافظ شیرازی.

ص: ۶۹

انسان است. او بر اساس سوگندی که خورده، پیوسته در کمین انسان است تا او را بفریبد و با وسوسه‌هایش به گناه اندازد. «همزات شیاطین»، همان وسوسه‌های اغواگر و گمراه‌کننده و به گناه کشاننده است.

اینکه گفته‌اند در آغاز تلاوت و هر کار دیگر، هم «بسم‌الله» بگویید، هم «اعوذ بالله»، برای آن است که در پناه توجه خدا قرار بگیریم و از وسوسه‌های شیطانی مصون بمانیم.

با دشمن نفس، صلح کردن ننگ است

چون در همه حال، با خِرد در جنگ است

هر چند سخن ز آشتی می‌گوی-- د

خصمی است که آتش بس او نیرنگ است(۱) دل‌های خالی از یاد خدا، محلّ حضور شیطان خواهد شد.

خانه‌هایی که نماز و عبادت و قرآن و دعا در آن نباشد، به پایگاه ابلیس تبدیل می‌شوند.

اگر انسان مواظبت نکند، شیاطین او را احاطه می‌کنند و در محضر او، حضور می‌یابند و به اغواگری می‌پردازند.

۱- برگ و بار، جواد محدثی ، ص ۲۸۷.

ص: ۷۰

قرآن کریم، هم‌چنان‌که به پیامبر خدا دستور می‌دهد از شر وسوسه‌های خنّاس که در درون افراد وسوسه می‌کند و از شرّ جادوگران و ساحران و حسودان به خدا پناه ببرد، در همین آیه هم، که در قالب دعاست، به آن حضرت توصیه می‌کند که بگو: «پروردگارا! از وسوسه‌های شیطان به تو پناه می‌برم».

وقتی رسول خدا (ص)، به خدا روی می‌آورد، ما که آسیب‌پذیرتر و بیشتر در معرض خطریم، بیشتر باید به آستان لطف الهی توجّه کنیم.

در روایت‌ها آمده است که: «معنای پناه بردن به خدا، از اینکه شیاطین نزد ما حاضر شوند، حضور آنها و غافل‌کردن انسان از طاعت خدا، یا حضور هنگام خواندن نماز و قرائت قرآن یا در همه احوال است که حاضر شدن آنها زمینه‌ساز بازداشتن بنده از ذکر و عبادت و نماز و توجّه و حضور قلب است».(۱)

۱- مجمع البیان، ج ۴، ص ۱۱۷.

ص: ۷۱

۱۹. عذاب دوزخ

رَبَّنا اصْرِفْ عَنّا عَذابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذابَها کانَ غَراماً (فرقان: ۶۵)

پروردگارا! عذاب دوزخ را از ما بگردان، همانا عذاب جهنم همیشگی است.

خدای متعال، عادل و حساب‌گر است و بهشت و دوزخ را بر اساس عملکرد انسان‌ها برای آنها مقدّر می‌سازد.

مقدمه رهایی از عذاب جهنم، پرهیز از گناه و ظلم و کفر است. خداوند کسی را بی‌جهت به دوزخ نمی‌برد و عذاب نمی‌کند. آنها که آخرت و حساب و کتاب قیامت را از یاد می‌برند، به خاطر لذّتی زودگذر سراغ ظلم و گناه می‌روند و عذاب همیشگی جهنم را برای خودشان می‌خرند.

مکن کاری که بر پا سنگت آید

جهان با این فراخی تنگ آید

ص: ۷۲

چو روزی نامه خوانان نامه خوانند

تو را از نامه خواندن ننگت آید(۱) روز قیامت، برخی ایمن و آسوده‌اند و حسابی آسان دارند و به سرعت به بهشت می‌روند. برخی هم نگران و مضطرب و گرفتاراند و مدتی طولانی برای حساب‌رسی معطّل می‌شوند و در پایان هم، سرنوشت آتش ابدی دوزخ بر آنها رقم زده می‌شود. بزرگ‌ترین رستگاری در قیامت، همان نجات از عذاب جهنّم است.

دعای فوق، در زمره دعاهای بندگان ویژه خداوند است. قرآن از کسانی به عنوان «عباد الرحمان» یاد می‌کند که اهل بهشت‌اند و ویژگی‌های روحی و عملی و رفتاری آنها را برمی‌شمارد. (۲)یکی از خواسته‌های این بندگان ویژه الهی، همین دعاست که از خدا می‌خواهند عذاب دوزخ را از آنها برگرداند، زیرا جهنم، جایگاهی بسیار بد و سرانجامی بسیار شوم و تلخ است.

ای پرده‌پوش معصیتِ عاصیان، تمام

بر درگه ت-- و دیده امید خاص و عام

کار تو عفو و بخشش و انعام روز و شب

شغل تو فضل و رحمت و اکرام صبح و شام

۱- باباطاهر عریان.

۲- فرقان: ۶۳- ۷۷.

ص: ۷۳

راضی مشو به شعله نیران شوم مقیم

یـا در میـان آت-- ش سوزان کنم مُقام(۱) دوزخ، تجسّم گناهـان مـا در همین دنیـاست. شـرط رهایی از شـعله‌های آن، پیمودن ره بندگی و گریز از وسوسه‌های نفس امّاره و شیطان است.

اگر ما بنده رحمانیم، پس پیروی از شیطان چرا؟

اگر خداوند، بهشت را برای بندگان صالح و پرهیزگار آفریده است، پس دوزخی شدن چرا؟

۱- صامت بروجردی.

ص: ۷۴

۲۰. خانواده باتقوا و نمونه

رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّیّاتِنا قُرَّةَ أَعْیُنٍ وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقینَ إماماً (فرقان: ۷۴)

پروردگارا! از همسران و فرزندانمان به ما نور چشم عطا کن و ما را پیشوا و الگوی پرهیزکاران قرار بده.

این آیه نیز، در ادامه آیه‌هایی که ویژگی‌های «عبادالرّحمن» را بیان می‌کند، آمده است و به یکی دیگر از خواسته‌های آنها از درگاه خداوند اشاره می‌کند که عبارت است از: فرزندان و خانواده‌ای الگو و شایسته و مایه افتخار و نور چشم.

داشتن همسر خوب و فرزندان صالح و دیندار، از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند است.

زنِ بد در سرای مرد نکو

هم در این عالم است دوزخ او در این آیه سه خواسته مطرح شده است: ۱. همسران خوب و مایه چشم روشنی؛

۲. فرزندان شایسته و مایه سرافرازی؛

۳. الگو و پیشوا بودن برای اهل تقوا.

ص: ۷۵

گـاهی افراد، گرفتار همسـر و فرزنـدانی فاسـد، بی‌تقوا و گنه‌کار می‌شونـد که مایه بـدنامی و شـرمساری است. چنین افرادی از شـرم نمی‌توانند در جامعه و پیش مردم سربلند کنند و پیوسته در عذاب روحی و رنجِ درونی‌اند.

بعضـی هم، با داشـتن همسـران پاک‌سـرشت و فرزنـدان با ادب و صالح، احساس سـربلندی می‌کنند و چنین همسـر و فرزندانی، مایه نشاط زندگی و چشم‌روشنی آنهاست.

از اینهـا گذشـته، بعضـی بـه مرتبـه‌ای از خودسـازی و صـلاح می‌رسـند که در جـامعه، نقش الگـو پیـدا می‌کننـد و سـخن و رفتـار و زندگی‌شان نمونه یک «زندگی مکتبی» می‌شود و اهل تقوا از رهگذر پیروی و سرمشق گرفتن از آنها به عنوان امام و پیشوا، راه خیر و سعادت را می‌پیمایند.

در درجه نخست، پیامبران و اوصیا و امامان معصوم: این نقش و ویژگی را دارند.

عالمان و عارفان و فرزانگان، گروه دیگری هستند که برای مردم سرمشق‌اند.

گاهی هم، انسان‌های معمولی، ولی پاک و نمونه، اسوه و معیار خوبی در نظر دیگران می‌شوند. خوشا به

ص: ۷۶

سعادت آنها!

مردم، بیش از آنکه تحت تأثیر سخن، نصیحت و تبلیغ‌های گفتاری و نوشتاری قرار بگیرند، از عمل افراد صالح الگوبرداری می کنند.

«دو صد گفته، چون نیم کردار نیست».

کلام امام صادق (ع) که فرموده‌اند: «دعوت‌کننده مردم باشید، ولی نه با زبانتان، بلکه با عملتان»، به همین جنبه الگویی انسان‌های مؤمن و شیعیان خالص اشاره دارد.

تعدادی از افراد، در راه خلاف و مسیر جهنّم سرمشق دیگران می‌شوند و تعدادی دیگر هم، در راه خدا، سعادت و بهشت اسوه و پیشوای مردم‌اند.

و تفاوت میان این دو قشر، از زمین تا آسمان است.

ص: ۷۷

۲۱. شکر و رضا

رَبِّ أوْزِعْنی أنْ أشْکُرَ نِعْمَتَکَ الَّتی أنْعَمْتَ عَلَیَّ وَ عَلی والِدَیَّ وَ أنْ أعْمَلَ صالِحاً تَرْضاهُ وَ أدْخِلْنی بِرَحْمَتِکَ فی عِبادِکَ الصّالِحینَ (نمل: ۱۹)

پروردگارا! مرا الهام کن تا سپاس‌گزار نعمت تو باشم، نعمتی که بر من و بر پدر و مادرم عطا کردی و اینکه کار شایسته‌ای انجام دهم که تو بپسندی و مرا با رحمت خویش در زمره بندگان شایسته‌ات وارد کن.

این دعای حضرت سلیمان (ع) است، پس از آنکه از سرزمین مورچگان عبور کرد.

قصّه از این قرار است که سلیمان نبی ۷، که خداوند به او هم نبوّت و هم حکومت عطا کرده بودو سپاه جنّ و انس و پرندگان در اختیار او بودند، وقتی با لشکریان خود از سرزمین مورچگان عبور می‌کرد،(۱) مورچه‌ای گفت: «ای مورچگان! وارد لانه‌های خود شوید، تا

۱- آن وادی به روایتی در طائف و به نقلی در شام بوده است. مجمع البیان، ذیل همین آیه.

ص: ۷۸

سلیمان و لشکریانش شما را نابود نکنند».

سلیمـان از حرف آن مورچه خندیـد و این دعـا را کرد و از خداونـد درخواست توفیق برای شـکر گزاری نعمت‌هـای الهی را داشت. (۱)نظر کردن به درویشان، بزرگی کم نگرداند

سلیمان با همه حشمت، نظرها داشت با موران

سلیمان، حشـمت و جلال بی‌نظیری داشت. پدرش حضرت داود (ع) نیز زبان حیوانات را می‌دانست و آهن در دستانش نرم بود و او نیز، همچون سـلیمان (ع)، پیـامبری و فرمانروایی را با هم داشت. مادر ایشان هم، زنی صالـح بود که هم همسـر پیامبر بود و هم مادر پیامبر و این نعمت‌های بزرگ، در خور ستایش و شکر گزاری است.

درخواست سلیمان (ع) در این دعا، چند چیز است:

۱. درخواست توفیق و الهـام و رهنمود الهی برای شـکر؛ اینکه چگونه و بـا چه زبـان و چه تعبیری بایـد خـدا را شـکر کرد که اگر با توجه و الهام الهی باشد، بهتر است.

از دست و زبان که برآید

کز عهده شکرش به درآید ۲. شکر بر نعمت‌های الهی نسبت به خود و پدر و

۱- نمل: ۱۶- ۱۹.

ص: ۷۹

مادر؛ خود والـدین، نعمتی بزرگ‌انـد که تا زنده‌انـد، انسان قـدرشان را نمی‌داند. هم باید بر اصل این نعمت، شاکر حق بود و هم بر نعمتی که خدا به پدر و مادر انسان عطا کرده است.

۳. توفیق عمل صالـح و خداپسـندانه؛ بیشتر افراد اهل عمل‌انـد، ولی اعمالشان صالـح و مورد رضایت خـدا نیست. اگر خداوند اعمال بنده‌ای را بپسندد و بپذیرد، بالاترین اجر را به او می‌دهد.

۴. ورود به جمع بندگان شایسته و صالح خداوند؛ هر کس در هر گروهی باشد، سرنوشتش با آنها گره می‌خورد.

کبوتر با کبوتر، باز با باز

کند هم‌جنس با هم‌جنس پرواز

در دعاهای بسیاری آمده که انسان درخواست می‌کند در جمع بندگان صالح خدا و در زمره نیکان باشد.

تو اوّل بگو با کیان زیستی

پس آنگه بگویم که تو کیستی از ابن عبـاس نقـل شـده که مقصود از «عباد صالـح»، که سـلیمان (ع) از خداونـد خواست تا در زمره آنها باشد، پیامبرانی همچون ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب: و انبیای پس از آنها هستند.(۱)

۱- مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۱۶.

ص: ۸۰

۲۲. حق نعمت خدا

رَبِّ بِما أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهيرًا لِلْمُجْرِمينَ (قصص: ۱۷)

پروردگارا! به پاس نعمتی که بر من عطا کرده‌ای، هرگز پشتیبان خطاکاران نخواهم بود.

در این آیه، گرچه خواسته و طلبی وجود نـدارد، ولی چون گفت‌وگو و تعهّد یک بنده صالح با خداوند است و با کلمه «ربِّ» آغاز شده، در ردیف دعاهای قرآنی آمده است.

این سخن، از زبـان حضـرت موسـی (ع) است. او از عنایات خاص الهی برخوردار بود. او با تـدبیر الهی، به دربار فرعون راه یافت و همان‌جا رشد یافت و جوانی رشید شد.

روزی حضـرت موسـی (ع) شاهد درگیری یک فردی از بنی‌اسراییل با یک فرد وابسته به فرعون شد. پس در آن صحنه دخالت و از آن مظلوم طرف‌داری کرد و چون تحت تعقیب قرار گرفت، فرار کرد و سر

ص: ۸۱

چاه مدین رفت و با دختران شعیب (ع) روبه‌رو شد و در نهایت، پیش شعیب رفت و داماد او گشت.(۱) او در همه این مراحل، از لطف و نعمت خداوند برخوردار بود.

بدین ترتیب، حضرت موسی (ع) به سبب نعمت‌های الهی که خداوند به او ارزانی داشت، متعهد شد که هرگز از ظالمان و مجرمان پشتیبانی نکند.

در این آیه چند نکته وجود دارد:

۱. ضرورت نعمت‌شناسی و شکرگزاری نعمت؛ بی‌توجهی به نعمت‌های الهی، نوعی بی‌معرفتی نسبت به خدای مهربان است. ما غرق در نعمت‌های اوییم، که حتی قدرت شمارش آنها را هم نداریم، تا چه رسد به اینکه شکر آنها را به جا آوریم.

۲. بهره‌گیری صحیح از نعمت‌ها؛ استفاده از نعمت الهی، در مسیری که خلاف فرمان و رضای خداوند است، بزرگ‌ترین ناسپاسی است. شکر شایسته نعمت آن است که آن را در راه خداپسندانه و صحیح مصرف کنیم.

در این باره، حضرت علی (ع) می‌فرمایند:

۱- داستان مفصّل او در آیه‌های ۱۴ تا ۲۸ سوره مبارکه قصص آمده است.

ص: ۸۲

أَقَلُّ مَا یَلْزَمُکُمْ لِلَّهِ أَلَّا تَسْتَعِینُوا بِنِعَمِهِ عَلَی مَعَاصِیهِ. (۱)کمترین چیزی که برای خدا برعهده شماست، آن است که از نعمت‌های خدا در راه نافرمانی خدا استفاده نکنید.

حضرت موسی (ع) مورد تأیید خداوند قرار گرفت، به مقام نبوت رسید، برای نجات بنی‌اسراییل از چنگال ظلم و فرعون ستمگر، تلاش کرد، آنها را از رود نیل عبور داد و پس از آنکه مدتی طولانی زیر سلطه ستمگرانه آن طاغوت بودند، آنها را به عزت و سروری رساند.

این عمل به دلیل تعهّدی بود که به خداوند داشت، تا هرگز پشتیبان ستمگران نباشد.

آری!

شکرانه بازوی توانا بگرفتنِ دستِ ناتوان است

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۳۰.

ص: ۸۳

۲۳. توبه، زمینه‌ساز رحمت الهی

رَبَّنا وَسِعْتَ کُلَّ شَیءٍ رَحْمَهً وَ عِلْماً فَاغْفِرْ لِلَّذینَ تابُوا وَ اتَّبَعُوا سَبیلَکَ وَ قِهِمْ عَذابَ الْجَحیمِ (غافر: ۷)

پروردگارا! با رحمت و دانش خویش بر همه چیز احاطه داری. پس کسانی را که توبه کرده و راه تو را پیروی کردند بیامرز و آنان را از عذاب دوزخ نگه دار.

غرق گنه، ناامید مشو ز دربار ما که عفو کردن بود در همه دم کار ما

بنده شرمنده تو، خالق بخشنده من بیا بهشتت دهم، مرو تو در نار ما

توبه شکستی بیا، هر آنچه هستی بیا امیدواری بجوی، ز نام غفّار ما

(۱)این دعا از زبان «حاملان عرش» است؛ کسانی که عرش را با آن عظمت الهی که دارد، در ملکوت اعلا

۱- تابع.

ص: ۸۴

بر دوش می کشند؛ فرشتگان مقرّب پروردگار که مأموران ویژه خدا در نظام هستی‌اند و پیوسته به تسبیح و ثنا و ستایش حق مشغول‌اند و در حق مؤمنان، دعا و استغفار می کنند. در این آیه، که از زبان آنهاست، برای اهل توبه و پیروان راه خدا، طلب آمرزش و نجات از عذاب جهنّم شده است.

پیش از این خواسته، دو صفت برای خداوند آمده است:

۱. وسعتِ رحمت الهی؛ که همه کائنات را فراگرفته است، شبیه آیه دیگری که می‌فرماید: وَ رَحْمَتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْءٍ (اعراف: ۱۵۶).

۲. علم گسترده و بی‌نهایت خداوند؛ که شامل هر چیزی است و شبیه آیه دیگری که می‌فرماید: وَسِعَ کُلَّ شَیءٍ عِلْماً (طه: ۹۸).

فرشتگان حاملان عرش، بیش از دیگران به جبروت و قدرت مطلقه پروردگار و علم و رحمت واسعه او آگاه‌اند. از این‌رو، پس از ستایش خداوند به این دو صفت (وسعت رحمت و علم)، از آستان او می‌خواهند که اهل توبه و اهل تقوا را مشمول آمرزش خویش قرار دهد.

توبه، راهی برای بیرون رفتن از بیراهه عصیان و

ص: ۸۵

پنجره‌ای گشوده به وادی رحمت پروردگار است. اساس آن هم پشیمانی از گناه و تصمیم بر ترک آن و جبران گذشته و پیش گرفتن راه تازه و رو به خداست. ازاین‌رو، در این آیه، پس از «توبه»، بی‌درنگ موضوع «پیروی از راه خدا» مطرح است که گویا، بدون حرکت در این مسیر نورانی، توبه محقّق نمی‌شود.

آنکه گناه می‌کند، از علم الهی غافل است و نمی‌داند که جهان و عالم، محضر خداست و نباید در محضر خدا گناه کرد.

آن هم که از رحمت گسترده خدا بی‌خبر است، راه گناه را ادامه می‌دهد و فکر می‌کند سرنوشتی جز دوزخ ندارد.

امّا توبه، روزنه‌ای گشوده به آمرزشی از سوی خداست و تا فرصت از دست نرفته، باید از آن بهره جست.

چند گویی که به پیری رسم و توبه کنم

چه کنی گر به جوانی به لحد درمانی!

ص: ۸۶

۲۴. دل‌های بی‌کینه

رَبَّنا اغْفِرْ لَنا وَ لِإِخْوانِنا الَّذینَ سَبَقُونا بِالْإِیمانِ وَ لا تَجْعَلْ فی قُلُوبِنا غِلًّا لِلَّذینَ آمَنُوا رَبَّنا إِنَّکَ رَؤُفٌ رَحیمٌ (حشر: ۱۰)

پروردگارا! ما را بیامرز و برادران ما را که در ایمان بر ما سبقت گرفتند را ببخشای و در دل‌های ما کینه مؤمنان را قرار مده، پروردگارا تو مهربان و رحیمی.

در فرهنگ قرآنی، از دو گروه با بزرگی و تکریم یاد شده است: یکی مهاجران، دیگری انصار. مهاجران به دلیل پیش‌قدم بودن در ایمان و مسلمانی و سابقه دین خدا، جایگاه والایی دارند و چون در راه ایمانشان هجرت کردند و از مکه به مدینه رفتند، مورد احترام‌اند.

انصار، به دلیل آنکه آغوش خود را به روی مسلمانان مهاجر گشودند و از آنها در برابر حمله‌های کفّار قریش دفاع کردند، شایسته تجلیل‌اند.

در سوره ممتحنه، از هر دو گروه یاد شده و تلاش

ص: ۸۷

و ایمان و هجرت و پناه دهی و حمایت و یاری آنها، مورد تقدیر قرار گرفته است.(۱) این آیه، از زبان مسلمانانی است که پس از مهاجرین آمدند و به دین حق پیوستند و دو خواسته مهم مطرح کرده‌اند:

۱. آمرزش برای خود و مسلمانان پیشتاز و باسابقه؛

۲. پاک بودن دل‌ها از کینه و دشمنی نسبت به مؤمنان.

در خواسته اول، بر جایگاه پیشکسوتان و حق تقدّم مسلمانان اولیه، و در خواسته دوم، بر پاکی دل‌ها از کینه و بدخواهی، (۲)تأکید شده است.

دل بی‌کینه نسبت به مردم و اهل ایمان، از نعمت‌های الهی است. یکی از ویژگی‌های اهل بهشت، این است که نسبت به هم کینه و حسد و بدخواهی ندارند. در حدیثی از امام علی (ع) آمده است: «الغِلُّ بَذرُ الشّرِّ»(۳)؛ «کینه و بدخواهی، بذر شرّ و بدی است».

تا زمانی که دل‌ها نسبت به هم کینه دارند، صلح و

۱- به آیه‌های ۸ و ۹ دقت شود.

۲- وَ نَزَعْنا ما فی صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ ... حجر: ۴۷.

۳- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ح ۱۹۷۶.

ص: ۸۸

صفا از جامعه رخت برمی‌بندد، همکاری‌ها کاهش می‌یابد و شیطان برای جنگ‌افروزی و ایجاد تفرقه، فرصت مناسبی پیدا می کند. برعکس، اگر انسان، از کسی کینه‌ای در دل نگه ندارد و گذشت داشته باشد، روابط مردم صمیمانه می‌شود و راه بر رخنه شیطان صفتان و تفرقه‌افکنان بسته می‌شود.

در اقلیم محبّت جز صفا نیست

در آن وادی به جز نور خدا نیست

فقط لبخند مهر است و محبّت

دگر کین‌توزی و جور و جفا نیست

ص: ۸۹

۲۵. توکّل و انابت

دعاهای قرآنی؛؛ ص۸۹

رَبَّنا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنا وَ إِلَيْكَ أَنَبْنا وَ إِلَيْكَ الْمَصيرُ* رَبَّنا لا تَجْعَلْنا فِتْنَةً لِلَّذينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنا رَبَّنا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ (ممتحنه: ۴ و ۵)

پروردگارا! بر تو توکّل کردیم و به سوی تو بازگشتیم و سرانجام همه به سوی توست. پروردگارا! ما را دچار فتنه کافران نگردان و ما را بیامرز، پروردگارا! همانا تو قدرتمند حکیمی.

«توکّل»، تکیه کردن بر خداوند توانا در همه امور است. در قرآن بارها چنین آمده است که: «تنها بر خدا تکیه کنید»(۱)، «مؤمنان تنها بر خدا تکیه و توکّل می‌کنند». (۲)توکّل، جلوه‌ای از توحید و ایمان به ولایت و حاکمیت مطلقه پروردگار در هستی است و کسی که دارای صفت توکّل باشد، در سختی‌ها ناامید

۱- مائده: ۲۳.

۲- آل عمران: ۱۲۲؛ توبه: ۲۵؛ ابراهیم: ۱۱ و...

ص: ۹۰

نمی‌شود، زیرا خود را به سرچشمه قدرت متّصل می‌بیند.

«انـابت»، به معنـای رجوع است. رویکرد اهل ایمان، به خـداست و از علل و اسـباب گوناگون، روی برمی‌گرداننـد و تنها به خـداوند تـوجّه می‌کننـد. معنـای لغـوی انـابت، رجـوع مکرر و پی در پی است و انـابت به درگـاه خـدا، یعنی توبه و خالص‌سـازی عمـل.(۱)

«مصیر»، به معنـای سـرانجام و نهایت و فرجام است. همه چیز از خـداست و به سوی او باز می‌گردد. انسان‌ها هم در قیامت، به سوی پروردگار رجوع می‌کنند و سرنوشت بندگان، به دست خدای متعال است.

در این آیه، به جایگاه والای آفریدگار در هستی اشاره شده است و تمام توجه، تکیه و بازگشت و توبه مسلمان مؤمن و متوکل، تنها به درگاه الهی است.

به هر کجا نگرم جلوه خدا پیداست به هر دیار روم، راه و رهنما پیداست

آنکه خدا را دارد، چه ندارد؟ و آنکه خدا ندارد، چه دارد؟

دعای این آیه، از قول حضرت ابراهیم (ع)، آن

۱- مفردات راغب، واژه «نوب».

ص: ۹۱

بت‌شکن بزرگ تاریخ و موّحدانِ همراه او است. قرآن، با معرفی کردن او به عنوان «اسوه»، برائت او و همراهانش را از مشرکان و بت‌پرستان نقل کرده و فاصله و مرز اعتقادی موحّد و مشرک را ترسیم می‌نماید. در پایان آیه نیز چنین آمده است:

پروردگارا! توکّل و توبه و انابت ما به درگاه توست و سرانجام امور هم به تو باز می‌گردد، ما را دچار عذاب و آزار کافران مساز و ما را بیامرز.

چه بسا، اگر انسان از سوی دشمنان دین خدا، گرفتار عذاب و شکنجه شود، از دین برگردد و اگر تحت سلطهٔ آنها قرار گیرد، در دین‌داری ضعیف شود. اینجاست که اگر مؤمن، به خدا اعتماد و توکّل کند، او را یاور و پشتیبان خویش خواهد یافت.

ای ذکر جان‌فزای تو مفتاح باب‌ها وی نام دل‌فروز تو زیب کتاب‌ها

جایی که قهر توست، چه شادی و راحتی جایی که لطف توست چه غم از عذاب‌ها

ص: ۹۲

۲۶. دعا در حق دیگران

رَبِّ اغْفِرْ لی وَ لِوالِدَیَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَیْتِی مُؤْمِناً وَ لِلْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَ لا تَزِدِ الظّالِمینَ إلّا تَبارًا (نوح: ۲۸)

پروردگارا! مرا بیامرز و پدر و مادرم و هر مؤمنی که به خانه من وارد شود و همه مردان و زنان با ایمان را بیامرز و ستمگران را جز هلاکت و نابودی میفزای.

حضرت نوح (ع)، یکی از پیامبران اولوالعزم بود که عمری بسیار طولانی داشت و تلاش بسیاری در راه هدایت قوم خود کرد، هر چند آن مردم لجوج، با او دشمنی کردند و جز تعدادی اندک، کسی دعوت او را نپذیرفت و خداپرست نشد. او هم به فرمان الهی، کشتی بزرگی ساخت و در پی نفرین او، همه جا را آب فرا گرفت و کافران هلاک شدند و مؤمنان نجات یافتند.

داستان طوفان نوح و کشتی نجات‌بخش او معروف است و در چندین آیه قرآن کریم، آمده است.

در سوره نوح، هم نفرین‌های حضرت نوح (ع) بیان

ص: ۹۳

شده است (آیه‌های ۲۱ تا ۲۶) و هم، دعاهای او در حق بندگان شایسته و با ایمان.

در این آیه، حضرت، هم خواستار آمرزش خود، پدر و مادرش و مؤمنان دیگر شده است و هم ریشه‌کن شدن و زیان برای ستمگران را از خداوند خواسته است.

چند نکته از این آیه استفاده می‌شود:

۱. آمرزش‌خواهی برای خود و والدین؛ بعضی‌ها پدر و مادر خود را از یاد می‌برند و در حق آنها دعایی نمی‌کنند. نیکی به والدین، ثواب بسیار دارد، عمر را طولانی می‌کند، موجب رضای خداست، رزق و روزی را افزایش می‌دهد. دعا در حق آنها نیز، از نمونه‌های روشنِ احسان به والدین است.

امام صادق (ع) فرموده‌اند:

چه چیزی مانع است که کسی به والدین خود نیکی نمی‌کند، چه زنده باشند، چه مرده؟ از سوی آنان نماز بخواند، از طرف آنان صدقه دهد و حج رود تا پاداش آن صدقه و حج و نماز، به همان اندازه در پرونده خودش هم ثبت شود.(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۴۶.

ص: ۹۴

۲. دعـا در حـق دیگران؛ در سیره حضـرت زهرا (س) آمـده است که او دعـا می‌کرد و بیشـتر دعاهـایش دربـاره همسایگـان بود، نه خودشان.(۱) این روش، نشـانه مهرورزی و نوع دوستی انسـان است. در روایت‌ها آمـده است که بهترین دعا، آن است که پشت سـر مؤمنان در حقّ آنها دعا کنی، نه رو در رو. از پیامبر خدا (ص) نقل شده است:

لَیسَ شَیءٌ اسْرَعُ اجابةً مِنْ دَعوةِ غائبٍ لغائبٍ. (۲)هیچ دعایی سریع‌تر اجابت نمی‌شود از دعای غایبی در حق غایب دیگر.

۳. نفرین به سـتمگران؛ این نوعی تولّی و تبرّی و موضع داشـتن نسبت به افراد تبه‌کـار است. همچنـان‌که خداونـد ظالمان را دوسـت ندارد، مؤمن هم نباید گرایش به ستمگران داشته باشد، بلکه در دعاهایش باید آنها را نفرین کند تا شرّ آنها از سر مردم کوتاه شود.

و الحمدلله ربّ العالمین

۱- بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۸۸.

۲- همان، ص ۳۹۵.

ص: ۹۵

منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه، صبحی صالح، بیروت.

۱. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسهٔ الوفاء.

۲. برگ و بار، جواد محدثی، قم، بوستان کتاب.

۳. صحیفه سجادیه، امام زین العابدین.

۴. غررالحکم ودررالکلم، آمدی، چاپ دانشگاه.

۵. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه.

۶. مجمع البیان، طبرسی، کتابخانه مرعشی نجفی.

۷. مفردات قرآن، راغب اصفهانی.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبِيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹